

رهبر جنبش سبز کیست!؟

در ماه‌های قبل از انقلاب که فکرتشکیل شورا و رهبری انقلاب به تدریج مطرح می‌شد، نام آیت الله طالقانی، که به تازگی از زندان آزاد شده بود، و نام آیت الله خمینی بیش از همه سر زبان‌ها بود. روزی یک خبرنگار خارجی که باور نمی‌کرد رهبر از روحانیون باشد، از مهندس بازرگان، که البته هنوز به نخست‌وزیری نرسیده بود، پرسید: به نظر شما رهبر انقلاب چه کسی است؟

ایشان بلافاصله جواب دادند؛ شخص شاه!!

خبرنگار که فکر کرده بود پرسش او را درست متوجه نشده‌اند، گفت منظورم "رهبر انقلاب" است، نه پادشاه کشور! وقتی دوباره همین پاسخ را شنید، گفت من نمی‌فهمم چگونه ممکن است شاه رهبر انقلاب باشد!؟

ایشان توضیح داد که دقیقاً عملکرد منفی شاه در سرکوب راهپیمایی‌های مسالمت‌آمیز و کشتار مردم در میدان ژاله و سرچشمه و شهرهای اصفهان، تبریز، همدان و... ملت را خشمگین و متحد و منسجم کرده است، وگرنه شش ماه قبل یکصدم این جمعیت هم به فرمان هیچکس راه نمی‌افتادند! او به راستی رهبر انقلاب از بُعد منفی است!

حالا هم با اطمینان کامل می‌توان گفت رهبر جنبش سبز، از بُعد منفی، آقای خامنه‌ای رهبر مطلقه فقیه است!

شش ماه قبل که هنوز انتخابات شروع نشده و هنوز مقام رهبری سرنوشت خود و ملت را به آقای احمدی نژاد سنجاق نکرده بود، یکصدم جمعیتی که امروز با وجود این همه جنایات و خشونت‌ها، زن و مرد، به میدان آمده‌اند و این چنین جان بازی کنند، به میدان نیامده بودند!

چه کسی باور می‌کرد به همان سرعتی که شعار "مرگ بر شاه" قبل از انقلاب همگانی شد، شش ماه بعد از انتخابات این طور علنی و آشکار شود؟ هیچ یک از احزاب چنین نگفته و نخواستند، مردم "خون دیده" خودجوش عمل می‌کنند.

به نظر نمی‌رسد با همه شدت عمل‌ها شعله خشم‌ها خاموش گردد. نیروی انفجاری بالقوه مردم به دلیل ستم‌ها و سرکوب‌ها به مراتب بیش از ماه‌های قبل از انقلاب است. این را حاکمان بهتر از همه می‌دانند که حتی اجازه برگزاری مجالس ختم و ترحیم برای آیت الله منتظری و مراسم آزاد عزاداری حسینی را، از ترس پیوستن جویبارها به رود خروشان ملت، نمی‌دهند و با سرکوب وحشیانه مردم در روز عاشورا کاری می‌کنند که در زمان شاه هم جرأت انجام آن را نداشتند.

"ساختار شکنی" و "حرمت شکنی" را در واقع خود حاکمیت است که با شتاب انجام می‌دهد. حداقل حرمت مسجد جماران را هم که حج حزب الله بود! رعایت نکردند.

از سخنان سرور آزادگان حسین بن علی (ع) است که وقتی جنایتکاران جانش را می‌گرفتند، فرمود "شما بعد از من به هیچکس رحم نخواهید کرد!!"

وقتی رهبری به ریخته شدن خون بیگناهان ملت در روز عاشورا اهمیت نمی‌دهد، کجا می‌خواهد غیرت دینی خود را مصرف کند؟! اگر نمی‌داند که عوامل تحت فرمانش با مردم چه می‌کنند که واویلا!، اگر می‌داند و سکوت رضایت‌آمیزی کند که باز هم واویلا!!

در سالیان قبل از انقلاب، به پیشنهاد جناب طاهر آقای احمدزاده، از یاران استاد شریعتی و پیش‌کسوتان مبارزات ملی مذهبی، قرار شده بود جمعی از نوگرایان مبارز دینی، همچون مارکسیست‌ها، مانیفستی از اسلام تهیه کنند تا یک جوان مسلمان با خواندن آن بتواند با ابعاد انقلابی این آئین آشنا شود. در جمع ۷، ۸ نفره آن روز فقط یک روحانی بود که بر خلاف امروز، به جناح روشنفکران مذهبی تعلق داشت و دانشجویان او را در خط شریعتی و روشنفکرتر از بقیه روحانیون می‌دانستند. در آن ایام او را "آسید علی آقا" می‌نامیدند.

هر یک از این جمع پیش‌نویسی تهیه و به مهندس بازرگان تحویل داده بودند تا در مقایسه و مقابله و ادغام با یکدیگر، مانیفست مورد نظر تهیه شود. به خاطر دارم روزی که از ایشان در باره کم و کیف مقالات رسیده سؤال کردم، گفتند تنها کسی که به محور "قیامت" در جهان بینی اسلامی به درستی توجه کرده، "آسید علی آقا" است!

دست روزگار همان طور که "آسیدعلی آقا" را به مقام معظم رهبری رسانده، جبهه و جناح ایشان را هم به کلی عوض کرده است، خیلی دلم می‌خواهد بدانم آیا ایشان هنوز هم به "قیامت" باور دارند و آنرا زیر بنای دین می‌دانند؟ اگر چنین است، چه پاسخی برای خون‌های به ناحق ریخته شده، که همچنان می‌ریزد، دارند و چه توجیهی برای نقش فرماندهی خود در این خون ریزی‌ها دارند!؟

داستان موسی(ع) و فرعون از پندآموزترین پیام‌های تاریخ برای دیکتاتورهاست؛ مقاومت مظلومانی اسیر، در برابر بزرگترین متکبر مطلقه و تمامیت طلب تاریخ که پسرانشان سر می‌بریند و زناشان برای خدمت زنده نگه می‌داشتند.

مقاومت بنی اسرائیل نیز "مسالمت آمیز" و دفاعی (نه تعرضی) بود. در تمام قرآن آیه‌ای نمی‌یابید که حضرت موسی شعار براندازی و قیام سیاسی برای خلع فرعون سر داده باشد، تنها خواسته‌اش "آزادی" بود و تعطیل "شکنجه"!!

آزادی اسیران بنی اسرائیل، تا آنان را به سرزمین آباء و اجدادی‌شان برساند. همین و همین! این فرعون بود که "رهبری انقلاب" از بعد منفی را به عهده گرفت و ساختار شکنی و براندازی کرد!!

البته فرعون بارها در تبلیغاتش برای فریب مردم، موسی(ع) را به براندازی و تصمیم به تغییر نظام متهم کرده بود، اما در حقیقت او مأمور بود حتی در کلام هم از خشونت استفاده نکند و جز به زبان ملایم با فرعون سخن نگوید تا شاید بیدار شود یا نگران آینده گردد (قل له قولاً لینا لعله یتذکر او یخشی).

این فرعون بود که میدان مصاف را گسترده و همه مردم را به تماشای پیروزی خیالی‌اش فراخواند. موسویان که دستگاه تبلیغ و اطلاع رسانی نداشتند! فرعون بود که جارچپانش (بخوانید صدا و سیمایش) را به همه شهرها فرستاد تا در بوق و کرنا بدمند که "این‌ها گروهکی قلیل (بخوانید خس و خاشاک یا اغتشاشگر) هستند که ما را به خشم آورده‌اند و ما (بر خلاف تصور مردم) کاملاً متشکل و آماده بیکاریم" (ان هوءلاء لشرذمه قلیلون و انهم لنا لغائظون و انا لجمیع حاذرون - شعراء ۵۳ تا ۵۶).

نظام فرعون با همه این رجزخوانی‌ها در دریای ظلم و ستم غرق شد و ملت مظلوم بنی اسرائیل به نیروی "صبر" آری فقط به نیروی صبر و مقاومت در برابر ظلم فرعونیان پیروز شد.

عقاب‌ها به نیروی باد مخالف است که اوج می‌گیرند و بر آسمان‌ها بر می‌آیند و بر بلندای قله‌ها می‌ایستند. ناخدایان نیز باد مخالف را با تغییر جهت بادبان کشتی و تنظیم زاویه برخورد آن با طوفان مخالف تجزیه کرده و مؤلفه آنرا در جهت ساحل نجات به خدمت می‌گیرند. هیچ کشتی عقب نمی‌کند و نمی‌ایستد، فقط با تغییر سیاست در تغییر زاویه برخورد، در بدترین شرایط هم (با حرکت زیگزاگ ۲۲ درجه) به جلو می‌روند! دریا باد موافق هم فراوان دارد، اگر شب طوفانی را از سر بگذرانیم نسیم ملایم صبحگاهی هم در پیش است.

جنبش راه سبز هیچ نیازی به خشونت و عکس‌العمل نشان دادن در برابر ددمنشی‌های سرکوب‌گران ندارد. این قانون ابدی خدا برای ملت‌های تحت ستم است که اگر به اسلحه "صبر و تقوا" مجهز باشند، یعنی پایداری کنند و از جاده اخلاق و خویشنداری خارج نشوند مسلماً پیروز هستند.

.... اگر شما ایستادگی و پروای اخلاقی داشته باشید، نقشه‌های توطئه‌آمیز آنها کوچکترین گزندى به شما نمی‌رساند. آری اگر شما ایستادگی کنید و پروای اخلاقی داشته باشید و (دشمن) با همین خشمی که از او فوران می‌کند بر شما هجوم آورد پروردگارتان شما را با نیروهای خود یاری می‌کند. اگر ایستادگی و پروا داشته باشید، این نشان قدرت و اراده شماست. ای مؤمنان به صورت فردی و جمعی ایستادگی کنید، با یکدیگر ارتباط برقرار کنید و از خدا پروا کنید، باشد تا پیروز شوید.

(آل عمران آیات ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۸۶، ۲۰۰)